

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ مهر ۱۳۸۷، ۱ اکتبر ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۳۴



عبدال کلپریان

میلیون دلار و برای رسیدگی به وضع کودکان در جهان، بویژه در آفریقا نیاز دارد. چنین قلمی بدرجاتی و هر چند ناقص اما عمق فاجعه را

صفحه ۵

به استقبال روز جهانی کودک برویم

امسال نیز به روال سالهای قبل و در شرایطی به استقبال روز جهانی کودک میرویم که کودکان در سراسر جهان همچنان جزو اولین قربانیان جنگ، گرسنگی، اعتیاد، تجاوز و دیگر مصیبتهای اجتماعی هستند. در همین رابطه صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) اعلام کرده است که به مبلغ ۵۷۶



محمد آسگران

کارگری را وارد فاز دیگری کرده است. مبارزات تا کنونی و کشمکش جنبش کارگری و سرمایه

صفحه ۲

نساجیهای سندج، مقابله با بیکار سازی و راه حل کارگری

کارگران نساجیهای سندج بیش از چهار سال است که در یک کشمکش دائمی برای حفظ شغل و رسیدن به خواسته های خود با کارفرما و دولت بسر میبرند. همینجا تاکید کنم این کشمکش بخشی است از جدال و مبارزه طبقاتی کارگران و سرمایه داران که در جامعه همیشه در جریان

بوده است. اما پروسه این جدال چند ساله بر سر مطالبات معینی بویژه مقابله با اخراج بوده است و من فکر میکنم اکنون به پایان يك دوره رسیده ایم و باید ارزیابی عمومی تری از این اتفاقات داشته باشیم. این تحرك چند ساله بر سر امنیت شغلی و مطالبات طرح شده از جانب کارگران، جنبش

کارگران اتحاد، اتحاد، اتحاد

از اعتصاب کارگران لاستیک البرز حمایت می کنیم

شرمند همسر و فرزندان خود هستیم و تالعات روحی جانگناه و جبران ناپذیری تمام هستی ما را در خود فرو برده است. فرزندان خرد سال مان هر روزه شاهد دستان خالی ما هستند و حسرت نگاه شان چونان تیری کشنده قلب ما را می شکافد.

صفحه ۲

و شمال و جنوب کشور دستمزدی دریافت نکرده اند. این وضعیت در پرداخت دستمزدها در شرایطی بر ما کارگران تحمیل شده است که تورم و گرانی مایحتاج زندگی بیداد میکند و ما در مانده تراز همیشه برای گذران زندگی دست و پا می زنیم. ما

همکاران و هم طبقه ای های ما در کارخانه لاستیک البرز نزدیک به سه ماه است در اعتصاب بسر می برند. این دوستان مدت پنج ماه است همچون ما کارگران نساجی کردستان و پرریس و فرش غرب بافت و کارگران دهها و صدها کارخانه دیگر در شهر صنعتی قزوین

در صفحات دیگر:

گفتگوی بهزاد سهرابی با صدیق سبحانی، یکی از کارگران نساجی کردستان، به بهانه اعتراضات اخیر کارگران

صفحه ۴

مجمع عمومی دوم نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، پرریس و فرش غرب بافت

صفحه ۸

بیانیه کمیته هماهنگی منطقه تهران در باره خبر مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پرریس، شاهو و فرش غرب بافت

صفحه ۸

ما مبصر نمیخواهیم

کشتن یک کارگر بیکار توسط مزدوران رژیم در منطقه پیرانشهر

که این کارگر بیکار به تازگی از تهران به محل زندگی خود برگشته بود و اولین باری بود که به کار در مرز می پرداخت. این مسئله حاکی از آن است که باز هم کشتار کارگران مرزی ادامه دارد و بیجز مین گذاری در مسیر رفت

صفحه ۲

روز یکشنبه ۷ مهر ماه ۸۷ يك کارگر بیکار به اسم هیوا پسندیده ۳۰ ساله داری همسر و يك فرزند در بخش کهنه خانه در منطقه پیرانشهر توسط مزدوران رژیم اسلامی مورد اثبات ۳ گلوله از ناحیه سر قرار گرفت و جان خود را از دست داد. لازم به ذکر است

تلاش برای ممانعت از ورود کارگران پرریس به کارخانه

کارگر شاغل این کارخانه هستیم. بدنبال ورود این کارگران به کارخانه مدیر کارخانه پرریس با نیروی انتظامی و اداره اطلاعات

صفحه ۲

امروز مورخه ۱۳۸۷/۷/۹ کارگران پرریس مطابق معمول هر روز به کارخانه رفتند اما نگهبان کارخانه از ورود آنان ممانعت به عمل آورد با اینحال کارگران وارد کارخانه شدند و اعلام کردند ما

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ادامه نساچیهای سندج، مقابله با ...

داران و دولتشان به نقطه ای رسیده است که احتیاج به بررسی مجددی دارد.

مبارزات تا کنونی جنبش کارگری در کردستان، علی‌رغم دستاوردهای با ارزش و پیشروی در عرصه های از مبارزه کارگری، هنوز نتوانسته است جلو اخراج و بیکار سازی و اقدامات ضد کارگری دولت و کارفرماها را سد کند. دولت و سرمایه داران متحدانه سیاستهای خود راهمچنان دنبال میکنند. کارگران هم مبارزات و تجمعات اعتراضی خود را برای رسیدن به مطالباتشان هر روزه سازمان میدهند. اما این کشمکش علی‌رغم دستاوردهای سیاسی و طبقاتی برای جنبش کارگری و کل جامعه، نتوانسته است مانع سیر رو به افزایش اخراج کارگران بشود. به همین دلیل اکنون باید به این معضل پرداخت و باید گفت چه راه حلی و چه سیاستی را باید پی گرفت؟

آیا میتوان جلو بسته شدن کارخانه های نساچی و دیگر مراکز کار که با تصمیم سرمایه داران و حمایت دولت به دلایل مختلفی تعطیل میشوند را گرفت؟ اگر آری چگونه؟ اگر نه کارگران اخراجی و بیکار و کارگرانی که در معرض اخراج هستند چه کار باید بکنند؟ کارگران شاغل دیگر مراکز که ممکن است فعلا در معرض اخراج نباشند چی؟ و....

اینها سوالات واقعی هزاران خانواده کارگری در کردستان و دهها هزار کارگر در دیگر مناطق ایران است. با یک طرح ساده انگارانه و بدور از واقعیات و توان مبارزات جاری، نمیتوان به سراغ این معضل اجتماعی رفت. در عین حال با شعار دادن و طرح آرزوها و آرمانها هم نمیتوان جواب همین امروز کارگران گرسنه را داد. اینجا است که راه حل کارگری و نقش کمونیستها برای جواب به این معضل اجتماعی جایگاه ویژه ای پیدا میکند.

ابتدا لازم است تصویری از

روند طی شده از چند سال گذشته تا کنون داشته باشیم. طبق اطلاعاتی که در این چند ساله به دست کمیته کردستان حزب رسیده و منتشر کرده ایم به مرور تعداد کارگران شاغل کارخانه کاهش یافته است. یعنی اکثریت بالایی از کارگران کارخانه ها را اخراج کرده اند. برای مثال قبلا کارخانه نساچی کردستان حدود ۷۰۰ کارگر و کارخانه شاهو حدود ۴۰۰ کارگر داشت. نساچی کردستان تعداد کارگرانش به ۱۷۵ و شاهو حدودا به ۳۵ نفر کاهش پیدا کرد. طبق آخرین خبر کارگران کارخانه نساچی اکنون و بعد از کشمکش با کارفرما و دولت تعداد دیگری اخراج شدند. چنانچه اکنون فقط ۵۳ نفر منتظر باز شدن کارخانه هستند که به سر کار برگردند. در دیگر مراکز کارگری و بویژه همه کارخانه های نساچی از جمله پریس، فرش غرب بافت و... هم به همین ترتیب تعداد کارگران هر سال کمتر شده است. این پروسه با هر کمبود و یا دستاوردی که کارگران داشته اند، به ما نشان میدهد که سرمایه داران نتوانسته اند تعداد کارگران در این کارخانه ها را چند ده برابر کم کنند. یعنی آنها را اخراج، بیکار، بازخرید و بازنشسته کنند. حال با هر اسمی که روی این بیکار سازی گذاشته باشند آنها را از کارخانه اخراج و خیل بیکاران را بدون تامین معیشت وسیعتر کرده اند.

اکنون همین تعداد باقی مانده هم را که در این مرکز بسر میبرند با خطر اخراج و بیکار سازی روبرو هستند. کارفرمای کارخانه نساچی کردستان این کارخانه را تعطیل و کارگران را بیکار کرده است. این یعنی بعد از چند سال مبارزه و کشمکش همه ۷۰۰ کارگر این کارخانه به صف بیکاران رانده شده اند. کارفرما اعلام کرده است که کارخانه را می بندد. اداره کار و دولت هم با تمام قدرت از کارفرما و سرمایه داران حمایت کرده و کارگران مجبور شده اند که در چند ماه اخیر برای حفظ شغل خود اعتراضات و تجمعات متعددی را سازمان بدهند. که هنوز نه تنها به

نتیجه نرسیده است بلکه اکثریت آنها رسما به خیل بیکاران پیوسته اند.

کارخانه پریس و کارخانه فرش غرب بافت و... هم به همین سرنوشت دچار شده اند. در پایان این پروسه ما شاهد بیکار سازی صدها نفر از کارگران همین مراکز کار هستیم. این کارگران که سالها عمر خود و دوران جوانی خود را در این مراکز به تولید مشغول بوده و برای سرمایه داران سود تولید کرده اند، اکنون با اخراج و بیکاری و عدم تامین معیشت روبرو شده اند. هیچ قانونی از آنها حمایت نمیکند. کل قوانین و نیروی دولتی در حمایت از کارفرما و سرمایه داران، کارگران را در مقاطع مختلف وادار به تحمل مشقتهای بیشماری کرده اند.

از جمله این مشکلات اخراج و بیکار سازی وسیع و عدم تامین معیشت است. در کنار این مشکل اصلی یعنی اخراج و بیکاری، کارگران با معضلات دیگری هم مواجه شده اند. اکثریت کارگران اخراجی و حتی همان کسانی که هنوز توانسته اند تا کنون مقاومت کنند به کارهای قرار داد موقت و قراردادهای سفید امضا ناچار شده اند. چنانچه اکنون گفته میشود نه تنها در سندج بلکه در کل ایران فقط اقلیت کوچکی به نسبت کل جمعیت کارکن قرار داد رسمی و دائمی دارند. قرار داد موقت اکنون روال اصلی قرارداد کاری و قرار داد رسمی استثنا شده است.

همین یک قلم قرار داد تحمیلی به کارگران، یعنی تحمیل قرار داد موقت و بدتر از آن قرار داد سفید امضا، به معنای بیحقوقی مطلق کارگران در ایران است. در کردستان وضع از این هم بدتر است. زیرا بسیاری از کارگران بدون قرار داد و بدون بیمه و همین مزایای حداقلی که وجود دارد کار میکنند. اما با این وجود جنبش کارگری در کردستان از نقاط قوتی برخوردار است که در دیگر مراکز صنعتی ایران کمتر مشاهده میشود. اینکه توده کارگران در کردستان خود را چپ و ضد سرمایه داری میدانند. مذهب

جایگاه قوی در جامعه ندارد. اینکه کارگران عموما با مبارزه سیاسی آشنا هستند و سنتهای مبارزه سیاسی قوی وجود دارد. اینکه سنت رفرمیستی در کردستان نتوانسته است جایگاه جدی پیدا کند و رادیکالیسم و مبارزه جویی یک وجه اصلی و قوی مبارزه کارگران در کردستان است. تحزب یافتگی بخش اینستگروه جامعه کردستان است و کارگران در این فضا با ایده های چپ و کمونیستی سمپاتی بیشتری دارند. و... اما در کنار این خصوصیات باید گفت که جنبش ناسیونالیستی در کردستان به عنوان یک مانع بر سر راه پیشروی کارگران موثر بوده و یک وجه مبارزه کارگری تقابل با جنبش و سیاستهای ناسیونالیستی بوده است.

در دل چنین شرایطی کارگران کردستان با زندگی غیر قابل تحملی روبرو شده اند و راهی بجز تغییر این شرایط بروی آنها باز نیست. هر چند این شرایط در همه ایران حاکم است اما در کردستان یک جنبش قوی اجتماعی وجود دارد که خود را سوسیالیست میدانند. و به همین دلیل چشم انداز پیشروی سریعتر و موثرتر ممکن شده است. جنبش کارگری ستون فقرات این تحرك اجتماعی است. سوسیالیسم در کردستان محدود به تعدادی روشنفکر و دانشجو و فعال سیاسی نیست. یک جنبش اجتماعی است. این ویژگی وظایف خاصی را در دستور کمونیستها قرار میدهد. کم نیستند کسانی که ویژگیهای جامعه کردستان را با وجود ستم ملی و سابقه مبارزه مسلحانه و "حکومت کرد" در عراق و همسایگی با حاکمان ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و وجود تلویزیونهای ماهواره ای به زبان کردی و... این ویژه گی را توضیح میدهند.

من ضمن دیدن این فاکتورها و نقد تاثیر و مضرات آنها، فکر میکنم در پایه ای ترین سطح تفاوت جامعه کردستان با دیگر مناطق ایران این است که، در کردستان یک جنبش قوی سوسیالیستی در ابعادی

اجتماعی وجود دارد. این جنبش رهبران و چهره های خود را دارد. این جنبش حزب خود را دارد. راه حل و سیاستهای خود را دارد. جنبش سوسیالیستی نه تنها به عنوان آرمانهایی انسانی و جذاب، که به عنوان یک راه حل سیاسی محبوبیت عمومی دارد. در جنبش کارگری و در این مقطع زمانی ما با برسمیت شناختن این ویژه گیها میتوانیم جوابی درست و عملی به موانع پیش رو بدهیم. حزب کمونیست کارگری ایران و جنبش ما در یک بعد اجتماعی در شکل دادن به این اوضاع نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. بنابر این نقش مهم و تعیین کننده جنبش کارگری در کردستان تنها از حقانیت جنبش کارگری ناشی نمیشود، بلکه این جنبش خود را با رگه خاصی از سوسیالیسم تداعی کرده است. تحولاتی را از سر گذرانده است. در میدان مبارزه جاری سیاست و تاکتیک احزاب مختلف چپ را دیده و تقابل جریانات ناسیونالیستی با منافع خود را تجربه کرده است. در نتیجه با سیاست و افق خاصی پا به میدان تحولات سیاسی و اجتماعی گذاشته است. این خصوصیات سیاسی و این عوامل ذهنی در کنار عامل عینی تقابل منافع طبقاتی روزمره کارگران با سرمایه داران، نقش تعیین کننده ای به تحرك سیاسی جنبش کارگری در کردستان بخشیده است.

نگاهی به عوامل مورد بحث میتواند کمک کند که این مفاهیم بالا بیشتر درک شود. خیل وسیع کارگران مهاجر و کار در مراکز کوچک و بی تامین که اکثریت کارگران کردستان را تشکیل میدهد و کارگران شاغل که در کارخانه های نسبتا بزرگتر با موج بیکار سازی روبرو شده اند جنبش کارگری را با تنگناهای متعددی روبرو کرده است. تعدادی از کارگران ناچار شده اند که همان استاندارد زندگی فقیرانه را هم فقیرانه تر تحمل کنند. تعدادی از بچه های این خانواده های کارگری ناچار به ترك تحصیل شده اند. تعدادی از خانواده های کارگری به دلیل فقر و عدم امنیت معیشتی بقیه در صفحه ۳

ادامه از صفحه ۲ نساجیهای سندج، مقابله با ...

متلاشی شده اند. بسیاری از کارگران اخراجی خانه های کرایه ای خود را به دلیل بیکاری رها کرده و ناچار به اسکان در مکانهای ارزانتر و با استاندارد پایین تری شده اند. تعدادی از آنها به شغلهای کاذب دستفروشی، حمل کالا از مرز که با خطرات بسیاری مواجه است و شغلهای موقت تن داده اند. بهداشت و بیمه در سطح بسیار نازلی است. تعداد بسیار کمی از کارگران در کردستان از همان مبلغ ناچیز بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی و... بهره مند هستند. همه آنها ناچار شده اند که کیفیت غذایی پاینتری را تحمل کنند و هزار و یک درد و مشکل دیگر که بیان همه آنها یعنی همه جوانب زندگی چند برابر زیر خط فقر کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه.

این شمه ای از زندگی کارگران کردستان است. کارگران مراکز نامبرده که هم اکنون در حال جنگیدن برای بازگشت به کار و حفظ شغل خود هستند و در دل چنین شرایطی به اعتراض و مبارزه خود ادامه میدهند، برای

راندن سرمایه داران و دولت شان بشود.

برای وارد شدن به بحث راه حل باید ابتدا در مورد سرنوشت کارخانه های بحران زده نکاتی را یاد آوری کنم:

کارخانه های نساجی کردستان همانند کل نساجیهای ایران با یک بحران لاعلاج روبرو هستند. اما ابعاد بحران تنها به این رشته محدود نیست. برای نمونه نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، ایران خودرو، پتروشیمیها و حتی کل صنایع نفت و گاز در ایران با معضلات لاینحلی مواجه هستند. اما در این نوشته من تلاش میکنم بر نساجیهای کردستان تمرکز کنم.

نساجیهای کردستان: کارخانه های نساجی در کردستان نه به دلیل عدم سود دهی بلکه به دلیل سود کمتر به نسبت دیگر رشته های تولید، از جانب کارفرما و دولت یکی بعد از دیگری تعطیل میشوند و یا رشته تولیدی آنها تغییر میکنند. رقابت سرمایه داران برای کسب سود بیشتر و عدم توانایی رقابت آنها در بازار جهانی با کارخانه های های مشابه که با تولید انبوه و کیفیت بالاتری به قیمت ارزانتر وارد بازار شده اند، آنها را متقاعد

کرده است که این رشته از صنایع را تعطیل کنند. سرمایه داران متعاقبا یا سرمایه خود را به جای دیگری منتقل میکنند و یا رشته تولیدی را تغییر و کارگران را با قرار دادهای موقت و سفید امضا و با دستمزد کمتری استخدام میکنند. که به نسبت کارگران رسمی و دائمی از مزایای بسیار کمتری برخوردار میشوند. سرمایه داران بسیاری نیروی کار مورد نیاز خود را نه از میان کارگران قدیمی که سالهای جوانی خود را در این کارخانه ها صرف تولید سود برای آنها کرده اند، بلکه از میان کارگران بیکار و جوان استخدام میکنند که حاضر به قبول دستمزد پایینتر و مزایای کمتر و توقعات کمتری هستند. سوالی که اکنون مطرح است این است که کارگران با این سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران و دولت حامیشان چه برخوردی بکنند. آیا ادامه همین نوع اعتراضات جوابگو است؟ راه حل دراز مدت و به یک معنی استراتژی جنبش کارگری چیست؟ و...

سوالات اصلی و گرهی همینجا مطرح میشود چگونه با این روند باید مقابله کرد؟ مسیر درست کدام است؟ ممکن است

جواب همیشگی این باشد که باید متحده ایستاد. اما متحده انده در چه ابعادی و چگونه؟ کدام سد و مانع را باید شکست که پیشروی جنبش کارگری میسر بشود؟ آیا تشکلهای و فعالین کارگری در کردستان قدرت و پتانسیل شان همین حد است که تا کنون شاهد آن بوده ایم؟ و... اینها و دهها سوال و ناروشنی دیگر باید جواب بگیرند تا جنبش کارگری قادر به حرکتی قدرتمند و راهگشا بشود. در بخشهای بعدی من به سهم خود تلاش میکنم به این سوالات بپردازم. امیدوارم که فعالین کارگری در این بحث شرکت فعالتری بکنند. فعالین سوسیالیست باید آگاهانه و بطور جدی به این فکر کنند، که چگونه میتوان از این تنگنا خارج شد. چگونه میتوان هم زندگی همین امروز کارگران را بهبود بخشید و هم افق رهایی از قید و بند سیستم سرمایه داری را در دل همین مبارزات جاری تقویت کرد و برای رسیدن به جامعه ای آزاد، بدون کار مزدی و در یک کلام جامعه ای انسانی پیش رفت. در قسمت بعدی تلاش میکنم به اینها بپردازم.

ادامه دارد

ادامه از صفحه ۱ تلاش برای ممانعت از ورود ...

تماس گرفته و آنان را برای بیرون کردن کارگران به کارخانه آورد. اما کارگران مقاومت کرده و حاضر به ترک کارخانه نشدند و پس از دو ساعت گفتگو و صحبتهایی که کارگران کردند این نیروها هیچ اقدامی در راستای خواست مدیر کارخانه برای بیرون کردن کارگران انجام ندادند. پس از این گفتگوها نیروهای اداره اطلاعات محل را ترک کردند اما مامورین نیروی انتظامی

برای عدم پذیرش کارگران بر سر کار را یک بهانه از سوی کارفرما برای مقابله با خود میدانند و در اعتراض خود به رای هیئت تشخیص به توصیه این هیئت مبنی بر وصل کارگران به بیمه بیکاری معترض شده و اعلام کرده اند ما کارگر شاغل کارخانه پریس هستیم و کارفرما تا تهیه مواد اولیه و شروع کار باید دستمزد ما را بدهد.

اتحادیه آزاد کارگران ۹/۷/۸۷

ادامه از صفحه ۱ کشتن یک کارگر بیکار توسط ...

وآمد آنها وهمچنین دستگیر و زندانی کردن و وثیقه های سنگین، درنهایت توحش با گلوله نیروهای رژیم کشته میشوند.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده و بستگان هیوا پسندیده، این جنایت مزدوران حکومت اسلامی را محکوم می کند و از مردم پیرانشهر و مناطق

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۸ ۹ مهر ۱۳۸۷

ادامه از صفحه ۱ کارگران اتحاد، اتحاد، اتحاد ...

اما انگار نه انگار که صدها هزار خانواده کارگری و فرزندان خردسال شان در این کشور، در جهمی به نام زندگی در حال له شدن زیر پنجه های فقر، و تبعات خرد کننده روحی ناشی از آن هستند. دوستان و همکاران گرامی در

چنین جهنم طاقت فرسایی برای ما و خانواده هایمان بوده اند. این وضعیت تمام روزه های احتمالی برون رفت از اخراجها، دستمزدهای زیر خط فقر و عدم پرداخت آنها را بر روی ما بسته و هیچ راهی جهت خلاصی از آن برایمان باقی نگذاشته است، مگر نیروی متحدان. اتحاد و تشکل ما تنها ضامن

ندارد: اتحاد، اتحاد، اتحاد

مجمع عمومی نماینده های کارگران نساجی کردستان، کارخانه شاهر، شرکت ریسندگی پریس و شرکت فرش ماشینی غرب بافت ۱۳۸۷/۶/۷

منتشره از سوی اتحادیه آزاد کارگران

ایران

پایان دادن به این زندگی فلاکت بار است و ما با حمایت قاطعانه از اعتصاب شما، شما هم طبقه ای هایمان را در لاستیک البرز، نیشکر هفت تپه، ایران خودرو، شهر صنعتی قزوین و ساوه و... به اتحاد و یکپارچگی برای رسیدن به خواست هایمان دعوت می کنیم.

دوستان! درد ما یکی است و راه خلاصی از آن نیز یک راه بیشتر

گفتگوی بهزاد سهرابی با صدیق سبحانی، یکی از کارگران نساجی کردستان، به بهانه اعتراضات اخیر کارگران آن مرکز

به نقل از نشریه جنبش کارگری شماره ۳

سهرابی. با عرض سلام خدمت شما، از اینکه این اجازه را به من دادی تا در مورد اعتراضات نساجی کردستان با شما مصاحبه ای داشته باشم، ممنون هستم. ابتدا از شما خواهش میکنم برای اینکه خوانندگان نشریه جنبش کارگری بیشتر با شما آشنا شوند خودتان را معرفی کرده و بفرمائید سابقه کار شما در نساجی کردستان چند سال می باشد؟

سبحانی. من هم خدمت شما بهزاد عزیز سلام و خسته نباشید میگویم و همچنان از دست اندرکاران نشریه ی جنبش کارگری و کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، تشکر و قدردانی کرده و آرزوی موفقیت دارم. من صدیق سبحانی متولد ۱۳۴۴ در روستای سپیران که در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و سنتی به دنیا آمده و مانند دیگر کودکان کار، در سن ۷-۸ سالگی وارد بازار کار شدم. در سال ۱۳۵۷ برای ادامه ی تحصیل به شهر سنندج آمدم و بعد از تعطیلات مدارس برای اینکه بتوانم درسم را ادامه دهم به شهرهای تهران، کرج، بندر عباس و اهواز می رفتم و کار می کردم. با این وجود به دلیل عدم پشتیبانی مالی ترک تحصیل کردم. علیرغم میل باطنی خودم به سربازی رفته و از ادامه تحصیل محروم شدم. بعد از خدمت سربازی دوباره در شهرهای تهران، کرج، آبیک و اهواز مشغول به کار کارگری (کارگر ساختمانی) شدم. در سال ۱۳۶۹ در کارخانه نساجی کردستان استخدام و اکنون مدت هیجده سال است که در این مرکز مشغول به کار هستم. و حدود ۳ سال است که عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری می باشم.

سهرابی. با تشکر از توضیحات شما. دوست عزیز، صدیق سبحانی، می خواهم کمی

به گذشته برگردم یعنی به سال ۱۳۸۴ که کارگران نساجی کردستان برای دفاع از مطالبات کارگری خود دست به اعتصاب زدند که این اعتصاب در جنبش کارگری ایران نبرد ۵۷ روزه نام گرفت. در مورد چگونگی این اعتصاب و دلایل شروع آن برای خوانندگان ما توضیح دهید و در صورت امکان مطالباتی که در دستور کار قرار داده شده بود را بازگو نمائید.

سبحانی. بله در اینجا لازم است من هم به گذشته برگردم، در واقع اعتراضات کارگران به قبل از سال ۱۳۸۳ برمی گردد و کارگران سالن بافندگی بارها بعلت عدم بهداشت آبدارخانه، محیط کار و اخراج همکاران خود اعتراض کرده و موفق شده اند اما در سال ۱۳۸۳ با نامه ای که از طرف آقای فروزنده مدیر کل بنیاد جانبازان و مستضعفان برای تعطیل کردن سالن بافندگی آمده بود این سالن را تعطیل کردند. ناگفته نماند بعد از تعطیلی سالن بافندگی وی از سود دهی سالن بافندگی می گفت و عنوان می کرد سود کارخانه ناشی از تولید در قسمت بافندگی کارخانه بود. سالن بافندگی ۱۷۰ نفر کارگر رسمی و قراردادی داشت. کارفرما و اداره کار به تمامی کارگران رسمی و قراردادی اعلام کردند، اگر تا پایان ۳۱ شهریور ماه سال ۸۳ تسویه حساب نکنند، بعد از پایان قرار داد بیمه بیکاری به آنها تعلق نخواهد گرفت. به این وسیله توانستند کارگران قرار دادی را فریب دهند و به ازای هر سال، سه ماه و نیم حقوق و مزایا به آنها پرداخت و با آنان تسویه حساب کنند. کارگران رسمی سالن بافندگی به مدت ۳ ماه بی آنکه کاری انجام دهند هر روز به کارخانه مراجعه و همراه حقوق خود را با سایر کارگران دریافت می کردند. (لازم به ذکر است که کارگران رسمی از کارگران قرار دادی پشتیبانی نکردند.)

نمی شد افسرده و بی حوصله شدند. در دوم مهر ماه ۸۳ در نمازخانه ی اداری کارخانه دست به اعتصاب غذا زدند، که که این اعتصاب غذا اول برای مدیریت بی اهمیت بود، تا اینکه کارگران سالن ریسندگی به پشتیبانی آنها، دست از کار کشیدند و بکلی تمام قسمتهای کارخانه تعطیل شد. طوری که تمام مسئولین استان و مدیریت کارخانه را وادار کردند به خواست کارگران اعتصابی تن دهند و وادار به مذاکره شوند. کارگران اعتصابی به ازای هر سال، ۸ ماه حقوق و مزایا را خواستار بودند. هیئت مدیره شرکت به ازای هر سال، ۶ ماه را قبول کرده بود و فردی به نام علی افشاری که قائم مقام بنیاد بود و حالا در صدای آمریکا به عنوان فعال حقوق بشر!! صحبت می کند، برای کارگران تیغ می کشید و آنها را تهدید میکرد و به ازای هر سال ۵/۴ ماه مزایا به کارگران دادند و به ازای هر سال ۱/۵ از کارگران غضب کردند و بخاطر این خوش خدمتی از هیئت مدیره پاداش خوبی گرفتند! حال برگردیم به سوال شما در مورد اعتصاب ۵۷ روزه که در کارخانه نساجی اتفاق افتاد. اعتصاب ۵۷ روزه در اصل در دوم مهر ماه ۸۴ شروع و در مورد وعدههایی بود که مدیریت می خواست آنطور که خود می خواهد به کارگران قراردادی تحمیل کند که کاملاً به ضرر کارگران قراردادی تمام می شد. بدین صورت که اگر کارفرما هر وقت خواست طبق بند ۷ قرارداد بتواند بدون هیچ قید و شرطی کارگر را اخراج کند و کارگران حق هیچ گونه اعتراضی را نداشته باشند. کارگران شیفت صبح بی آنکه به مفاد قرارداد توجه کنند آن را امضاء کردند. کارگران شیفت بعد از ظهر که متوجه شده بودند نه تنها آن را امضاء نکردند بلکه قراردادهای پاره کرده و بدور انداختند. همین باعث شد تا مدیریت کارخانه دستور اخراج آنها را صادر کند و از آمدن آنها

بر سر کارهایشان جلوگیری شود. شورای اسلامی کارخانه دستور مدیریت را نادیده گرفت، و آنها را بر سر کارهایشان برگرداند. اما مدیر تولید آقای عزیزی به کارگران گفت هرچه زحمت بکشید و تولید کنید برای کارخانه بی اهمیت و ارزشی ندارد و اگر مشکلی پیش آید باید خودتان جواب گو خسارت احتمالی باشید. اعتصاب از شیفت بعد از ظهر شروع شد و روز بعد هر چهار گروه سه شیفت، دست از کار کشیدند و خواستار برگشت به کار همکارانشان شدند.

سهرابی. به نظر شما کارگران با این اعتصاب به خواست های خود رسیدند؟ یا اگر در کسب مطالبات خود موفق نبودند، دلیل عدم این موفقیت را چگونه ارزیابی میکنید، توضیح دهید؟

سبحانی. لازم است عرض کنم اعتصاب ۵۷ روزه کارگران کارخانه نساجی در دوم مهرماه ۸۴ اتفاق افتاد و خواست و مطالبه کارگران بازگشت به کار همکارانشان بود که مدیریت در مقابل این خواست لجباعت نشان داد، و کارگران تصمیم گرفتند تا همکارانشان بر سر کار برنگردند، به اعتصاب خود ادامه دهند. همانطور که گفتم اعتصاب به طول انجامید و مدیریت برای به شکست کشیدن اعتصاب به هر کاری دست میزد. کارگران برای اینکه مدیریت نتواند اعتصاب را به شکست بکشاند، خواستار مجمع عمومی شدند و نمایندگان خود را (شورای اسلامی کار) وادار کردند تا مجمع عمومی تشکیل دهند و فقط مطالبات کارگران را دنبال کنند.

خواسته ها و مطالبات کارگران در مجمع عمومی اول: ۱- بازگشت به کار همکاران ۲- بستن قرارداد دسته جمعی ۳- تعطیلی کلیه قسمتهای کارخانه شامل کمپرسور، تاسیسات، هوای صنعتی، تهویه و برق بود. که این حرکت و تصمیم گیری کارگران،

حرکتی بی نظیر بود و تمام کارگران کارخانه منجمله قسمت اداری و نگهبانی همه به آن پیوستند و تمام کارگران که ۴۵۰ نفر بودند، به جز ۶ نفر از آنها که با مدیریت همکاری میکردند و اعتصاب شکن بودند، بقیه کارگران در اعتصاب شرکت داشتند. در مجمع عمومی دو خواست دیگری مطرح شد: ۱- طرح طبقه بندی مشاغل ۲- مدیریت در هیچ شرایطی حق نداشته باشد کارگران را اخراج و بیکار کند. به خاطر مصمم بودن کارگران در ادامه اعتصاب مسئولین استان، در استانداری کردستان کمیسیون کارگری تشکیل دادند و در آن کمیسیون کارگری که نمایندگان کارگران نیز حضور داشتند، ۸ ماده به تصویب رسیده بود. که نمایندگان کارگران از امضای آن خود داری کرده بودند. نتیجه کمیسیون کارگری که همان ۸ ماده بود را به میان کارگران آوردند و در نمازخانه اداره، تک تک ماده ها برای کارگران خوانده شد و کارگران همه ماده ها را رد کردند، میرفت بین کارگران تفرقه ایجاد شود، برای جلوگیری از آن تفرقه، کارگران از شورای اسلامی درخواست مجمع عمومی سوم برای روز بعد را کردند. تا در آن مجمع عمومی هرکس نظر خود را بدهد و تصمیم گیری شود. لازم به ذکر است در هر مجمع عمومی نمایندگان گزارشی را که داشتند، ارائه میکردند و بعد از طرف کارگران هیئت رئیسه ای انتخاب می شد و نظرات و پیشنهادات را یادداشت می کردند و به رای گذاشته می شد. و بر همان اساس در دستور کار نمایندگان قرار می گرفت. همان طوری که عرض کردم مجمع عمومی سوم در نمازخانه اداره تشکیل شد و نظرات و پیشنهادات از طرف کارگران ارائه و خواسته های دیگری را به مطالباتشان اضافه کردند، که مابه التفاوت طرح طبقه بندی مشاغل از سوی کارفرما پرداخت

ادامه به استقبال روز جهانی کودک ...

تا حدی به ما نشان می دهد. در جای دیگری سازمان ملل اعلام کرده است که بخاطر جنگ در افغانستان در هفته گذشته ۲۰۰ هزار کودک افغانی از آخرین دوره واکسن فلج کودکان (پولیو) در افغانستان محروم شده اند.

اینها فقط ۲ نمونه از دهها و صدها موردی است که شرایط زندگی کودکان در کشورهای مختلف را نشان میدهد.

زندگی و موقعیت کودکان در ایران نیز خارج از ابعاد دهشتناک شرایط و موقعیت کودکان در سراسر جهان نیست. آمار روزافزون کودکان خیابانی که بنا به آمارنهادهای خود حکومت اسلامی امسال به دو برابر افزایش یافته است. آمار دیگری این است که سالها ن میلی جوانان با انتشار گزارشی از کاهش سن اعتیاد به مواد مخدر در ایران اعلام کرد که روزانه ۳۰۰ نوجوان به مواد مخدر معتاد می شوند. علاوه بر اینها شرایط زندگی کودکان تیب

کودکان و تجاوز جسمی و جنسی به آنان توسط باندتهای تبهکارو کارفرمایان که در سایه رژیم اسلامی هر روز در حال افزایش است به آن اضافه کنید تا به عمق این فلاکت و سیه روزی کودکان بیشتر پی ببرید.

تجاوز به دختر ۹ ساله طبق قوانین اسلامی و تحت حاکمیت این رژیم، تنها گوشه ای از اعمال ضد انسانی و ضد کودک در سایه این حکومت است.

در مقابل این بی حقوقی و در مقابل این همه بی حرمتی به شان و منزلت کودک در حکومت اسلامی، یک جنبش عظیم در دفاع از حقوق کودک در ایران وجود دارد که برای پایان دادن به این موقعیت و در دفاع از شان و منزلت کودکان تلاش می کند.

برگزاری مراسمهای روز کودک در ایران تنها به این روز خلاصه نمی شود و در شهرهای مختلف و در روزهای دیگری، این مراسمها توسط

فعالین مدافع حقوق کودکان، والدین و دیگر نهادهای مستقل از دولت برگزار می شود که تقریباً به سنت جا افتاده ای تبدیل شده است. شرایط و موقعیت بشدت دشوار کودکان در ایران ایجاب می کند این تلاشها در جهت کسب حقوق کودکان گسترده تر از این عرض اندام کند.

در همین رابطه و در روز جهانی کودک وظایف خطیری بر دوش فعالین دفاع از حقوق کودک و کلیه خانواده ها و بزرگسالانی که در تلاش برای بهتر کردن شرایط و موقعیت کودکان هستند قرار دارد. جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران سنتهایی را جاگیر کرده است که می توان آنها را هر چه بیشتر تقویت کرد. ایجاد فضایی شاد برای کودکان، آراستن مراسمها به هر آنچه که برای کودکان با نشاط و فراموش نشدنی است را در سالهای قبل تجربه کرده ایم و قطعاً هر ساله نسبت به سال قبل با شکوهتر باید برگزار شود.

این روز تنها مختص به کودکانی که امکان شرکت در

مراسم خودشان را دارند نیست. به باور من یکی از وظایف بسیار مهم فعالین عرصه دفاع از حقوق کودک این باید باشد که تمامی کودکان را در این جشنها شرکت دهند. کودکانی که از والدین محروم هستند، کودکانی که بدلیل شرایط حاکم بر زندگی آنها به کار گمارده شده اند، کودکان بی سرپرست، کودکان خیابانی، کودکان مهاجر افغانی و عراقی و همه کودکان.

در این روز باید با تاکید بر مطالبات بند بند قطعنامه ها در هر جا، خواستار اجرا و بعمل درآمدن آنها شویم. در این روز باید با شرکت وسیع و همه جانبه بزرگترها در هر چه با شکوهتر برگزار کردن روز جهانی کودک نشان دهیم که کودکان مقدمند، مقدم بر هر منفعت ملی، مذهبی، نژادی، سیاسی، اقتصادی. باید فریاد بزنیم که کودکان مذهب ندارند و هیچ کس و هیچ مقامی حق مسموم کردن اذهان کودکان را به مذهب، خرافه و باورهای ارتجاعی و عقب مانده را

ندارد و بگوییم و بخواهیم که مذهب باید از آموزش و پرورش جدا باشد.

جدا سازیها باید لغو و حقوق کودک برای معاشرت و زندگی اجتماعی کاملاً رعایت شود. خواستار لغو و ممنوعیت حجاب کودکانمان شویم. حکومت اسلامی تا کنون دهها نوجوان را که کودک محسوب می شوند اعدام کرده است. خواست ممنوعیت اعدام و احکامی که هم اکنون جان بسیاری از نوجوانان زیر سن قانونی را که در زندانهای رژیم اسلامی بسر می برند تهدید می کند. دهها و صدها خواست و مطالبه دیگر مربوط به حقوق کودک که توسط قوانین و نظام جمهوری اسلامی پامال شده است می تواند خواست و مطالبه شرکت کنندگان در این روز باشد. به امید برگزاری هر چه باشکوهتر مراسمهای روز جهانی کودک در ایران.

۱ اکتبر ۲۰۰۸

ایسکرا ، برنامه ای بزبان کردی در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ و نیم بعدازظهر بوقت تهران پخش میشود

تهیه کننده برنامه: یدی محمودی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید



تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ - اف

ادامه صفحه ۴

گفتگو با بهزاد سهرابی

و حقوق و مزایای زمان اعتصاب، هرچند ماه که طول بکشد باید کارفرما آن را پرداخت کند. این مطالبات به اضافه مطالبات دیگر در دستور کار قرار داده شد، خبر دادند که از بنیاد جانبازان و مستضعفان از نمایندگان خواسته اند که به تهران بروند، نمایندگان به تهران رفتند و با آقای کیانی ملاقات کرده بودند، نام برده به آنها گفته بود به اعتصاب پایان دهید و من قول می دهم هرآنچه از دستم برآید دریغ نکنم! به گفته نمایندگان اشک تمساح ریخته بود. ملاقات با کیانی بین نمایندگان تفرقه انداخته بود وقتی همه برگشتند در میان کارگران تفرقه ایجاد شد. اما برای جلوگیری از این تفرقه قبلاً کمیته حمایت از اعتصاب تشکیل شده بود و کارگران چیزی از کمیته حمایت از اعتصاب نمی دانست و آنها را نمی شناختند. اما کمیته اعتصاب خیلی آگاهانه عمل میکرد و از شکست اعتصاب به خوبی جلوگیری کرد. کارگران از نمایندگان خود خواستار مجمع عمومی دیگری شدند، تا از آن تفرقه و دو دستیگی جلوگیری کنند. مجمع عمومی چهارم تشکیل گردید. تصمیم نهایی کارگران این شد، تا به تمامی خواست ها و مطالبات خود نرسند، اعتصاب را ادامه دهند! و. رای بر آن شد تا اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه انتقال دهند. تصمیم گرفته شد، که بعد از مجمع عمومی، بیرون از کارخانه با راهپیمایی مسیر کارخانه تا شهر سنندج را طی کنند. این راهپیمایی شروع شد. (حدود یک کیلومتر) در جلو کارخانه شاهو، تعداد زیادی از نیروی نظامی مسیر ما را سد کرده و از ادامه راهپیمایی جلوگیری کردند. اول آنها می خواستند برخورد فیزیکی کنند، اما چون دیدند با فشار و زور کارگران وادار به عقب نشینی خواهند شد، و کارگران عزم را جزم کرده اند، تا به راهپیمایی خود تحت هر شرایطی ادامه دهند

نرسند، باید اعتصاب با فشار بیشتری ادامه داشته باشد.

۲. خود مدیر عامل در کمیسیون کارگری استان حاضر و متعهد به اجرای خواست و مطالبات کارگران شود.

۳. تا رسیدن به مطالبات خود، اعتراضات را بیرون از کارخانه ادامه دهند.

۴. شماره حسابی برای درخواست کمک مالی اعلام شود.

۵. صندوق کمک مالی در روز جمعه به مسجد جامع، فرجه و بهاران برده و مسئول هر صندوق تعیین شود.

۶. بعد از مجمع عمومی اعتراض خود در داخل شهر ادامه دهند.

به محض تمام شدن مجمع عمومی و حرکت کارگران به بیرون از کارخانه، متوجه شدند که نیروی انتظامی نه تنها دور تا دور کارخانه را گرفته بلکه جاده

کمربندی همدان، کرمانشاه، توسط پلیس محاصره و از بیرون رفتن کارگران جلوگیری می کردند. طوری که همیشه نیروهای انتظامی در آماده باش کامل بسر می بردند و از صندوق هائی که قرار شد به مسجد جامع برده شود جلوگیری به عمل آمد و قول

مساعده دادند بطور حتم مدیریت را وادار خواهند کرد به خواست و مطالبات کارگران گردن نهد، چرا که حق با کارگران است. به علت پافشاری و مصمم بودن کارگران کمیسیون کارگری در ساختمان

اداری تشکیل شد و نتیجه ی کمیسیون کارگری این بار، تا ۸۰ درصد به نفع کارگران تمام شد و مدیر عامل شرکت را به زور وادار کردند باید به مطالبات کارگران گردن نهد و متعهد شود. کارگران

به مطالباتی که مطرح کرده بودند دست یافتند. اما مدیریت خیلی زیرکانه از راهی دیگر وارد شد و تمام دست آوردهائی را که کارگران بدست آورده بودند را از آنها گرفت. علت آن خامی، عدم تجربه و عدم آگاهی بود.

سهرابی. آیا شما در طول این ۵۷ روز فقط در محیط کارخانه اعتراض خود را ادامه دادید؟

توضیح دهید نقش خانواده های شما در این اعتصاب چگونه بوده؟

سبحانی. خیر، قبلاً هم گفتیم در طول آن ۵۷ روز دو بار از کارخانه خارج شدیم و هر بار نیروهای انتظامی ما را متقاعد می کردند، و دوباره به کارخانه بر می گشتیم. البته نه با زور، چون آنها می دانستند اگر ما

را هم می کشتند بر نمی گشتیم، اما چون آنها از طرف مسئولین استان به ما قول می دادند و به قولشان عمل می کردند ما هم به داخل کارخانه مراجعه می کردیم. در مورد خانواده هایمان

که در قسمت دوم سؤال شما آمده، باید بگویم خانواده هایمان خواهان این بودند که در اعتصاب و اعتراض ما شرکت کنند و آمادگی لازم را داشتند، اما فشار ما کارگران به مسئولین و مدیریت طوری بود لازم نمی کرد آنها را در اعتراضات و اعتصابات درگیر کنیم.

سهرابی. آیا در حین اعتصاب کارگران نساجی کردستان، دیگر مراکز کارگری از شما حمایت کردند؟ در صورت مثبت بودن جواب، این حمایت ها چگونه صورت گرفته، توضیح دهید.

سبحانی. در طول اعتصاب کارگران نساجی کردستان، شفاهاً می گفتند از طرف تشکلات کارگری داخل و خارج مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته ایم اما در حقیقت نمیدانم تا چه حد صحت داشت.

سهرابی. دلیل اینکه شما این اعتصاب را به بیرون از کارخانه هدایت نکردید چه بود؟ آیا مواععی خاصی وجود داشت؟

سبحانی. نه اینکه کارگران نمی خواستند، این اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود، اما برای هر حرکتی، یک راه کار درست را باید انتخاب کرد. باید برنامه ریزی درست و دقیقی داشته باشید. باید فکر کرد و پیش بینی های لازم را کرده باشی و اگر خواستید اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود،

باید موانع را شناخت و چگونگی حل این موانع را دانست، تا موجب سرخوردگی و شکست نشود. ما کارگران نه ماجرا

جوهستیم و نه دنبال قهرمان می گردیم. به عنوان یک کارگر و یک شهروند حق کار، زندگی و خواهان یک زندگی مناسب و شرافت مندانه را داریم. ما ثابت کردیم مطالبات ما کارگران عینی است. چرا که تمام مسئولین استان این حق را به ما دادند و وقتی خواستیم اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه ببریم

هیچگونه درگیری پیش نیامد. این محصول یک برنامه ریزی درست و قابل قبول بود. در آن اعتصاب و اعتراضات ۵۷ روزه که از دوم مهر ماه تا ۲۸ آبان ماه ادامه داشت، ۴ مجمع عمومی و یک مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داده شد.

سهرابی. با تشکر از توضیحات شما، اگر اجازه دهید می خواهم در مورد اعتراضات جدید شما وارد بحث شوم. ابتدا توضیح دهید اعتراضات اخیر بر چه اساسی شروع شده و ادامه این اعتراضات، آیا بنظر شما در راستای همان مطالبات کارگران

و بی حقوقی های تحمیلی کارفرما که باعث اعتصاب ۵۷ روز شده بود نیست؟ و شروع اعتراضات جدید که تا به امروز ادامه دارد از چه تاریخی آغاز شده است؟

سبحانی. بله. تا زمانیکه سرمایه داری وجود داشته باشد، بنا به خصلت بورژوازی در اعمال بی حقوقی ها، اعتراضات کارگری هم وجود خواهد داشت. و اعتراضات اخیر کارخانه نساجی کردستان در همان راستای بی حقوقی هائی بود که کارفرما، هر روز به بهانه های مختلف به خواست و مطالبات کارگران حمله می کرد. و کار و زندگی را بر این قشر زحمت کش تنگ و تنگ تر کرده بود.

اعتراضات کارگران بر می گردد به سال ۱۳۸۰ تا به امروز. در سال ۱۳۸۴ شدت بیشتری یافت و

ادامه صفحه ۶

گفتگو با بهزاد سهرابی

کارخانه بدهی به دارایی بود و مرتب تکرار می کردند که فقط دارایی می تواند این گره را باز کند و از تعطیلی کارخانه جلوگیری و ادامه کار داشته باشد. کارگران در نیمه اول مرداده ماه ۸۷ طی فراخوانی خواستار مجمع عمومی و تعیین نمایندگان جهت حل و فصل بحران بوجود آمده شدند. مجمع عمومی تشکیل شد و کارگران پنج نفر را به عنوان نماینده و دو نفر علی البدل را انتخاب کردند. نمایندگان مکاتباتی با ارگان های ذیل را داشته اند.

دارایی - سازمان کاروا مور اجتماعی - حراست سازمان کار و امور اجتماعی - سازمان صنایع - فرمانداری - استانداری کردستان - نمایندگان مجلس - ریاست جمهوری - معاون حقوقی ریاست جمهوری و درکل مسئولان کشوری ازهر طریق ، اینترنت و مطبوعات ، جانی نموده است که با آنها مکاتبه نکرده باشیم . مسئولین استان کردستان هم ظاهرأ مخالف تعطیلی نساجی کردستان هستند . و در این بابت هرآنچه از دست شان برآمده دریغ نکرده اند و حتی حاضر شده اند برای ادامه کاری کارخانه و جلوگیری از تعطیلی شرکت نزدیک به ۸ میلیارد تومان با نظارت استانداری کردستان در اختیار مدیریت شرکت قرار دهند . اما مدیریت از نظارت استانداری ابراز نگرانی کرده است . مسئولین استان کردستان خصوصاً استانداری با سهامدار کارخانه نساجی کردستان آقای جدید ساز و رئیس کل بنیاد مستضعفان و جانبازان آقای فروزنده گفتگو و صحبت کرده اند و حتی از آنها خواسته است ، که شرکت را تعطیل نکنند . اما تا بحال هرچه تلاش شده است بی نتیجه مانده و بهانه ی مدیریت نساجی کردستان واهی و دروغ محض است . این بهانه ی بدهکاری و غیره فقط هدف تعطیل کردن نساجی کردستان و جمع آوری سرمایه و اخراج و بیکاری کارگران است . تلاش مسئولین استان در مورد دست یابی مطالبات ماکارگران که

شامل ، استمرار و ادامه کار ، درکارخانه و پرداخت حقوق معوقه بود ، تا کنون بی نتیجه مانده است .

سهرابی . به نظر شما موانع اصلی کارگران ، درجهت دستیابی به مطالبات خود ، با توجه به اعتراضاتی که صورت می گیرد و گاهی نا موفق می باشد چیست؟ و چاره آن را در چه چیز می بینید؟

سبحانی . به نظر من عدم موفقیت کارگران در دست یابی به مطالبات حقه خود ضعف مالی است . سیستم سرمایه داری آگاهانه طبقه ی کارگر و زحمتکش را گرسنه نگه میدارد ، تا مجال فکر کردن و تصمیم گیری نداشته باشد و نتواند بیش از اندازه مقاومت کند .

اگر هم کارگری معتقد به دورنمای مبارزه طبقاتی باشد ، به خاطر مشکل مالی که نان آور چند نفرمی باشد و همچنان با تورم افسار گسیخته ای که در جامعه موجود است کمرش خرد میشود و این عوامل باعث میشود تا اعتراضات کارگران برای خواست و مطالبات برحق خود ناموفق باشد ، چاره ما کارگران و طبقه زحمت کش تنها در اتحاد ، همبستگی و تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری و تعیین نمایندگان منتخب خود می باشد . ما کارگران برای اینکه از این وضعیت اسف بار خلاص شویم در محیطهای کارگری باید برای ایجاد تشکل مستقل کارگری تلاش کنیم .

سهرابی . من یک خبر خوشحال کننده در رابطه با برگزاری مجمع عمومی مشترک کارگران چند کارخانه در سنندج را شنیدم و بی شک ، این می تواند نقطه عطفی برای تشکل یابی کارگران باشد و گویا کارگران نساجی کردستان هم در آن مجمع عمومی حضور داشته و در رابطه با مشکلات کارگری خود و همچنین حمایت از دیگر مراکز کارگری و بطور مشخص در رابطه با لاستیک سازی البرز و نیشکر هفت تپه ، تصمیماتی را اتخاذ نموده اند ، لطفا تاریخ برگزاری و مباحثی که در آن مجمع عمومی مطرح شده را در صورت امکان برای

خوانندگان ما بیان کنید .

سبحانی . همانطور که شما گفتید ما کارگران تنها با اتحاد و همبستگی می توانیم از حق و حقوق خود دفاع کنیم و نگذاریم صاحبان سرمایه به ما تعرض کنند . اما در مورد مجمع عمومی مشترک کارگران در سنندج که شما به آن اشاره داشتی ما درچنین مجمعی شرکت نکرده ایم یا بهتر بگویم همچین چیزی وجود نداشته تا شرکت داشته باشیم !! چرا که نه ما کارگران نساجی از آن اطلاع داریم و نه نمایندگان ما !! اگر کسی چنین چیزی گفته جای تعجب دارد و باید بررسی شود .

سهرابی . عجب !!! ممنون . سوال آخر اینکه ، آیا مبارزه کارگران تنها باید در راستای مطالبه حقوق و امنیت شغلی و ... باشد ، بنظر شما کارگران برای رهائی از تمامی مشقات و نابرابری های موجود که زائده سیستم سرمایه داری است ، باید چه تدابیری را در دستور کار خود داشته باشند؟

سبحانی . لازم است به گذشته برگردیم و آن اینکه در طی مبارزات طبقاتی کارگران و جان فشانی هایی که شده بود ، بورژوازی و سیستم سرمایه داری در مقابل پیشروی جنبش طبقه کارگر ، مجبور و حاضر شد امتیازاتی از قبیل ۸ ساعت کار در روز ، بیمه تامین اجتماعی ، بیمه بیکاری و بازنشستگی ، را بپذیرد ، یا بهتر بگویم ، درواقع به بورژوازی و سرمایه داری تحمیل شد . امروز سرمایه دار و بورژواها میخواهند آنها را از کارگران بگیرند و مانند نوعی کالا از کارگر استفاده کنند . حقیقتاً به این فکر افتاده اند تا نه تنها کارگران امنیت شغلی نداشته باشند بلکه سفره بی رونقی را هم که دارند از طبقه کارگر بگیرند تا هرچه بیشتر بتوانند طبقه کارگر و زحمت کش را استثمار و سود بیشتری به سرمایه هایشان اضافه کنند .

به سوال شما برمی گردم ، که مبارزه و اعتراضات کارگران در راستای هجوم سرمایه داری به دست آوردهایی است که کارگران طی پروسه ای از مبارزه به

سرمایه داران تحمیل کرده بودند بی حقوقی ، نا امنی شغلی ، تعرض به سفره خالی کارگران همیشه زائده سیستم سرمایه داری بوده و هست و صرفاً طبقه کارگر در همین راستا ، طلب حقوق معوقه و امنیت شغلی دست به اعتراضات و اعتصاب می زند . طبقه کارگر برای اینکه بتواند از این نابرابری و بی حقوقی و مشقات روزمره ای ، که سرمایه داران به کارگران تحمیل کرده اند ، و هر روز به فشارخود می افزاید ، رها یا بند ، باید همان طور که قبلاً عرض کردم با اتحاد و همبستگی ، تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری را در دستور کار خود گذاشته و برای برون رفت از این وضعیت اسف بار که سرمایه داری به وجود آورده است ، طبیعتاً تنها راه چاره ، اتحاد و همبستگی در راستای مبارزه با نظام سرمایه داری می باشد .

سهرابی . با تشکر از شما دوست عزیز صدیق سبحانی . از اینکه تجاربی از روند اعتصاب و اعتراضات کارگران نساجی کردستان را برای ما و دیگر کارگران بیان کردی بی شائبه سپاسگزارم . ما بر این عقیده هستیم که انتقال تجارب و چگونگی روند اعتراضات کارگری می تواند برای آینده ، چراغ راه و آئینه ای تمام نما باشد که کارگران بتوانند از این تجارب به نفع خود در اعتراضات بعدی سود جسته و از آن برای ادامه این کشمکش طبقاتی استفاده کنند . در آخر برای شما و تمامی کارگران آرزوی پیروزی و موفقیت را دارم ، زندگی پر از رفاه و آزادی ، بدور از استثمار ، تحقیر و تبعیض شایسته ماست و این ممکن نمیشود مگر با همت و اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران . به امید آن روز .

سبحانی . من هم از شما کمال تشکر را دارم به امید پیروزی طبقه کارگر . موفق باشید .

دومین مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، پریس و فرش غرب بافت

روز ۶/۲۶/۱۳۸۷ دومین مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های سنندج برگزار شد. در این مجمع که نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، ریسندگی پریس و فرش غرب بافت شرکت داشتند، نماینده های شرکت کننده حول مسائل و مشکلات موجود در

این کارخانه ها به بحث و تبادل نظر پرداختند. این مجمع که دومین مجمع نماینده های کارگران کارخانه های فوق بود پس از بحث و تبادل نظر ما بین نماینده گان حول مسائل و مشکلات مشترک، تصمیمات زیر را اتخاذ کرد:

۱- صدور بیانییه حمایتی از اعتصاب کارگران لاستیک

البرز از طرف کارگران این کارخانه ها

۲- تلاش برای انتشار این حمایت و تصمیمات مجمع در رسانه های رسمی کشور

۳- کارگران کارخانه های شرکت کننده در این مجمع، در صورت رسیدن کارگران هر کدام از این کارخانه ها به خواست هایشان، حمایت خود را در حد توان از کارگران سایر

کارخانه ها ادامه خواهند داد.

در پایان این مجمع نماینده های شرکت کننده بر اهمیت و ضرورت گسترش و ادامه مجمع عمومی نمایندگان کارگران کارخانه های سنندج و گسترش آن به سایر نقاط تاکید کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران تداوم این مجمع و گسترش

این سنت را به کارگران سایر کارخانه ها در سراسر کشور یک گام حیاتی برای تشکیل یابی کارگران و مبارزات متحدانه آنان برای رسیدن طبقه کارگر ایران به مطالبات انسانی اش ارزیابی میکند و با تمام توان برای گسترش آن خواهد کوشید.

اتحادیه آزاد کارگران
۲۶/۶/۸۷

بیانییه کمیته هماهنگی منطقه تهران در باره خبر مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پریس، شاهو و فرش غرب بافت

اجتماع مشترک کارگران نساجی های سنندج- کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

عده ای از کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پریس و فرش بافت سنندج در روز ۲۶ شهریور ۸۷ برای بار دوم دورهم جمع شدند تا درباره ادامه مبارزات متحد خود علیه کارفرمایان با همدیگر مشاوره و برنامه ریزی کنند. این کارگران به

دنبال پاره ای گفتگوها تصمیم گرفتند که اطلاعیه ای در حمایت از مبارزات کارگران همزنجیر خویش در کارخانه لاستیک البرز تهیه کنند و خواستار درج آن در رسانه های مختلف شوند. تشکیل اجتماعات مشترک کارگران کارخانه های مختلف ابتکاری بسیار ارزنده است که اگر به درستی و با نگاهی ضدسرمایه داری پیگیری شود می تواند گامی در راستای سازمانیابی

سراسری و شورایی توده های وسیع طبقه کارگر علیه سرمایه باشد. در برخی گزارش ها از این نوع تجمعات به عنوان «مجمع عمومی» نام برده می شود. این اصطلاح تا جایی که ناظر بر حضور شمار هر چه بیشتر کارگران در نشست ها و اجتماعات و بالا بردن ظرفیت شورایی این اجتماعات باشد بسیار بجا است. اما در ادبیات برخی محافل به طور معمول نوعی تشکل سندیکالیستی

نیازمند اتصال به محافل غیرکارگری را القا می کند، که طبعاً تعبیری زیانبار، فرقه ای و در تعارض با اساس سازمانیابی سراسری، شورایی و ضد سرمایه داری توده های کارگر است. پیداست که کارگران سه کارخانه نساجی سنندج تعبیر نخست را مد نظر دارند و از روایت دوم سخت بیزار هستند. اقدام کارگران هم به لحاظ شروع تلاش متحد و عملی برای

سازمانیابی سراسری ضدسرمایه داری همزنجیران خویش و هم از نظر صدور اطلاعیه های حمایتی از مبارزات همسنوشتان خود بسیار مهم، تحسین انگیز و درسی برای سایر کارگران در همه کارخانه ها و مراکز کار است.

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پریس، شاهو و فرش غرب بافت

ما مبصر و سانسور چی نمیخواهیم، ما کارگرم و با برگزاری مجمع عمومی خود را متحد می کنیم

پس از انتشار گزارش دومین مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج، کمیته هماهنگی (منطقه تهران) اقدام به صدور بیانییه ای در این زمینه کرده و با توسل به سانسور، مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج را ضمن حذف نام کارخانه شاهو، اجتماع عده ای از کارگران کارخانه های پریس، نساجی کردستان و فرش غرب بافت نامیده است.

در این رابطه باید بگوئیم:

کارخانه شاهو بودند که آگاهانه اقدام به برگزاری مجمع عمومی نماینده های کارگران این کارخانه ها کردند.

دوما برخلاف سانسور کمیته هماهنگی (منطقه تهران)، ما به عنوان عده ای از کارگران یک اجتماع مشترک برگزار نکردیم بلکه همانطور که در گزارش این مجمع نیز منتشر شده است و با آگاهی بر نقش مجمع عمومی در متحد کردن خود، به عنوان نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارخانه محل کارمان، در سطح بالاتری اقدام به برپایی مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه ها کردیم.

ما مجمع عمومی خود را در کارخانه محل کارمان با هدف پرداختن به مشکلات موجود و تصمیم گیری و انتخاب نماینده

هایمان همیشه برگزار کرده ایم و این بار آنرا فراتر از محل کار خود در سطح نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های ذکر شده، برگزار نمودیم و بنوبه خود تلاش خواهیم کرد برگزاری اینگونه مجامع (مجمع نماینده های کارگران کارخانه ها) را گسترش هر چه بیشتری بدهیم. چرا که برگزاری مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های مختلف میتواند پایه و ستون اصلی اتحاد ما کارگران در یک سطح فرا کارخانه ای باشد و ما کارگران با توجه به فشارهای موجود چاره ای جز این نزدیکی و متحد شدن آگاهانه از طریق برگزاری مجامع نماینده های کارگران کارخانه های مختلف نداریم.

کما اینکه پس از برگزاری این

مجمع بود که کارگران کارخانه پریس بدون اینکه خود راسا تجمعی داشته باشند در تجمع مورخه ۳۰/۶/۸۷ کارگران فرش غرب بافت در مقابل اداره کار شرکت کردند و این اولین باری بود که در این سطح در سنندج، کارگران یک کارخانه در تجمع کارگران کارخانه دیگری شرکت می کردند.

سوما: این آقایان در این چند ماه گذشته که ما کارگران نساجی و پریس و فرش غرب بافت در شرایط طاقت فرسای بطور مداوم درگیر مبارزه برای احقاق حق مان بودیم کجا بودند که پریده و باتوسل به دروغ اعلام میکنند ما نماینده های کارگری شرکت کننده در این مجمع از تعبیر و اطلاق عنوان مجمع

عمومی به آن بیزاریم. نه آقایان ما مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج را تشکیل دادیم و با آگاهی بر نقش کلیدی مجمع عمومی در متحد شدنمان، با شور بیشتری این مسیر را ادامه خواهیم داد.

نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های نساجی کردستان - پریس، شاهو و فرش غرب بافت:

شریف ساعد پناه - امجد زمانی - فرشید بهشتی زاد - خالد سواری - سید خلیل حسینی - صلاح اسکویی - ابراهیم جعفری - سعید حبیب زاده - کاظم کاظمی - خالد خالدی

۱۳۸۷/۷/۱

کارخانه ها نبودند که به تهران با تمهاع مشترکی را برگزار کردند، بلکه این نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های فوق، بعلاوه

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!